

برادر علی

برش‌هایی از زندگی

شهید «علی حاتمی»

دانشجوی پیرو خط امام کربلای هویره

نویسنده: خلیل حاتمی

بازنویسی: دکتر محمود مطهری‌نیا

(عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران)



سرشناسه	حاتمی، خلیل.
عنوان و نام پدیدآور	برادر علی: برش‌هایی از زندگی «علی حاتمی» دانشجوی پیرو خط امام و شهید کربلای هویزه / نویسنده خلیل حاتمی؛ بازنویسی محمود مطهری‌نیا؛ ویراستار لیلا حسن‌زاده. تهران: انتشارات سرگیس، ۱۴۰۲.
مشخصات نشر	۱۹۹۲ص: مصور.
مشخصات ظاهری	978-600-8086-62-8
شابک	فیبیا
وضعیت فهرست‌نویسی	برش‌هایی از زندگی «علی حاتمی» دانشجوی پیرو خط امام و شهید کربلای هویزه.
عنوان دیگر	حاتمی، علی. ۱۳۳۷-۱۳۵۹.
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع	Martyrs -- Biography -- Iran-Iraq War, 1980-1988
موضوع	شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع	Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
موضوع	ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸- اشغال سفارت آمریکا، ۱۳۵۸ - ۱۳۶۰
موضوع	Iran - History - Islamic Republic, 1979 - Hostage crisis, 1979 - 1981
شناسه افزوده	مطهری‌نیا، محمود، ۱۳۵۹ -
رده‌بندی کنگره	DSR1626
رده‌بندی دیویی	955/0849092
شماره کتابشناسی ملی	9173006



برادر علی انتشارات سرگیس

نویسنده: خلیل حاتمی

ناشر: سرگیس

بازنویسی: دکتر محمود مطهری‌نیا

ویراستار: لیلا حسن‌زاده

چاپخانه: ترانه

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۸۶۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: سوم تابستان ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۶-۶۲-۸

آدرس: میدان انقلاب، خ منیری جاوید، نبش کوچه نوروز، پلاک ۵۱ طبقه همکف واحد دو

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۱۹۱۶ - همراه: ۰۱۳۶۲۸۹-۰۹۱۲

www.sergispub.ir

Email: Sergispress@gmail.com

هرگونه استفاده از جلد و متن کتاب (اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است و در صورت مشاهده از متخلفان به‌موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
بیانات رهبر (عظیم‌الناس) انقلاب اسلامی در مسجد دانشگاه تهران ..	۱۳
فصل نیماور.....	۱۵
فصل باغ چالی	۲۱
فصل مدرسه	۲۷
فصل دانشگاه	۴۵
فصل جهاد	۵۷
فصل تسخیر لانه جاسوسی آمریکا	۶۵
فصل آسمانی‌ها.....	۸۵
فصل دلتنگی	۹۹
فصل پیوند هویزه	۱۰۳
خاطرات محمدرضا باستی، شاهد حماسه هویزه	۱۰۷
پیوست‌ها	۱۲۸



- وصیت‌نامه شهید علی حاتمی ۱۲۹
- یادداشت‌ها (دستخط شهید علی حاتمی) ۱۴۱
- گزارشی از یک زائر یادمان شهدای هویزه ۱۴۵
- تصاویر و اسناد ۱۴۹

دانشجوی شهید علی حاتمی



- تاریخ تولد (ثبت شناسنامه): ۲۸ بهمن ۱۳۳۷
- نام پدر: ابو طالب
- محل تولد: تهران
- تحصیلات: سال سوم دامپزشکی دانشگاه تهران
- پیرو خط امام (ره)، حاضر در تخییر لایحه جاسوسی امریکا
- شهادت: ۱۶ دی ۱۳۵۹ - کربلای بویزه
- آرامگاه: یادمان شهدای بویزه - رویف پنجم - هزار ششم

مقدمه

در مسلخ عشق بزرگوار کشید
رو به صفتان زشت خوراک کشید

کر عاشق صادق ز کشتن مکریز
مردار بود هر آن که او را کشید

«علی» برادرم بود؛ سال‌ها کنار هم زندگی کرده و قد کشیده بودیم. همه جا با هم بودیم: خانه، مدرسه، کوچه، کوه و هر جای دیگر. او پسر پر جنب و جوش و پرتلاشی بود که پیش دبستانی را در «مدرسه آمریکایی‌ها»، دبستان را در مدرسه جعفری و دبیرستانش را در مدرسه «پیرنیا» و سال آخر را در «دارالفنون» گذراند و در سال ۱۳۵۸ با رتبه بیست‌ونه، دانشجوی دامپزشکی دانشگاه تهران شد. در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، عضو کمیته استقبال از امام خمینی (ره) گشت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مثل خیلی از دانشجویهای انقلابی دیگر، در مناطق دورافتاده به کارهای جهادی پرداخت. علی در وزارت فرهنگ دولت شهید رجایی (ره) هم نقش‌آفرینی کرده بود. او در سیزده آبان ۵۸ از نخستین کسانی بود که از دیوار لانه جاسوسی آمریکا بالا رفت و وارد آنجا شد؛



بعد هم به حکم وظیفه، نزدیک به یک سال از عمر پربرکتش را (ماجرای تسخیر سفارت آمریکا تا آزادی گروگان‌ها ۴۴۴ روز به طول انجامید) به فعالیت و همکاری برای رسوایی آن شیاطین، در سفارت گذراند و شد «دانشجوی پیرو خط امام»!

در هفده آبان ۵۹، خودم پیش پدر و مادر واسطه شدم که به جبهه برود؛ بعد هم که از «هویزه» مقاوم و قهرمان سر درآورد و همان‌جا رحل اقامت افکند؛ آن‌هم میان جمعی که رهبر انقلاب درباره‌شان فرمودند: «سراسر دوران جنگ، سرشار از ماجراهای رؤیاگونه این راهبان شب و شیران روز است و گروه شهیدان هویزه از برجسته‌ترین آنان‌اند.»

باین همه، هر چه از شهادتش می‌گذشت، احساس می‌کردم کمتر می‌شناسمش؛ برادرم صاحب کراماتی بود و من بی‌خبر بودم؛ این را وقتی فهمیدم که از چندین نفر درباره‌ی توسل به شهید علی حاتمی و برآورده شدن حاجاتشان شنیدم.

اکنون که بیش از چهل سال از عروجش می‌گذرد، نام «علی حاتمی» افتاده سر زبان‌ها و خیلی از جوان‌ها بی‌آنکه او را بشناسند، واسطه‌اش می‌کنند تا مشکل ازدواجشان حل شود و او را بانی امر خیرشان می‌دانند. شهدا این گونه‌اند، هر چه از شهادتشان بگذرد، شاهدتر می‌شوند و درست زمانی که یادشان کنی و متوسل شوی به آن‌ها، اتحادشان را نشانت می‌دهند و به یادت می‌آورند که «عند ربهم یرزقون» اند.



علی ما هم از این قاعده مستثنا نبوده است. حالا دیگر دانشگاه‌ها برایش یادواره می‌گیرند و در فضای مجازی و بیش از همه، در اردوهای راهیان نور به هم معرفی‌اش می‌کنند.

با این اوصاف، من هم وظیفه خود دانستم، به‌عنوان برادر بزرگ‌تر و یک دوست که همیشه در کنارش بودم، آنچه را از زمانه و زندگی کوتاه، اما پربرکت او می‌دانم، پیشکش دوستدارانش کنم.

شاید عنوان «از چشم برادر» اسم مناسب‌تری برای این کتاب باشد؛ اما ترجیح می‌دهم این نوشتار را «برادر علی» بنامم؛ زیرا او برادر همه کسانی است که امروز به دنبالش هستند و از فرازهای مهم زندگی‌اش آگاه‌اند؛ مطالبی که ما به‌عنوان خانواده‌اش از جزئیات آن‌ها بی‌خبریم، البته خاطرات آن روزهای حضورش در لانه جاسوسی و حدود شصت روز جبهه و همچنین فعالیت‌های جهادگرانش را باید دوستان و همراهانش روایت می‌کردند که با او در آن فضاها نفس کشیده بودند؛ اما در این مجال امکان دسترسی به آنان را نداشتم و به فرصتی دیگر موکول کردم.

ان شاء الله نگارش این کتاب بهانه‌ای باشد برای ادامه راهی که آغاز نموده‌ام و با این هدف شماره تلفن و نشانی ایمیل را می‌گذارم و سپاسگزار عزیزانی خواهم بود که چنانچه خاطره، تصویر یا اسنادی از برادر علی دارند، برای چاپ‌های بعدی در اختیارم بگذارند.

در پایان لازم می‌دانم از تمام عزیزانی که در آماده‌سازی کتاب پیش رو کمک کرده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم؛ جناب دکتر محمود مطهری‌نیا که زحمت بازنویسی هنرمندانه یادداشت‌هایم را عهده‌دار شدند، سرکار خانم اعظم صرفی، برادران ارجمندم آقایان: حاج حسین و جلال حاتمی و پسر عزیزم آقاهادی و همچنین حجت‌الاسلام دکتر سید حمید علم‌الهدی و آقایان، مهندس محمد خوشنویسان و میلاد کریمی، نوروزی، میرزا حسینی و بابائی که با اخلاص تمام برای انتشار و آماده‌سازی این کتاب تلاش کردند.

از خدای منان هم شاکرم که این افتخار را نصیبم فرمود و از او می‌خواهم، همان‌طور که جلوه‌گری علی عزیز را بارها در این فصل زندگی جوانان این سرزمین پیوند داده است، عاقبتی به خوشبختی و عاشقانگی او روزی ما جاماندگان نماید، ان شاء الله.

خلیل حاتمی

زمستان ۱۴۰۱ - تهران

khalil.hatami34@gmail.com

تلفن: ۰۹۹۱۴۶۶۶۶۵۱

اشانزد هم دی اروز شه‌ای هویزه است و ساکله و آن عزیزانی است که در هویزه به
شهادت رسیدند که عده‌ای از دانشجویان هم جزو آن‌ها بودند.

چند نفر از این دانشجو‌ها را که از دانشگاه شهید چمران اهواز، از دانشگاه مشهد فکر
می‌کنم و ظاهر آ تعدادی هم از دانشگاه تهران بودند، خود من می‌شناختم. در روز
پانزدهم این عزیزان را دیدم و در نزدیکی هویزه با آن ملاقات داشتم؛ مرحوم
شهید علم الهدی و شهید قدوسی و شهید رهایی آن‌ها بودند. عده‌ای می‌رقند
طرف میدان‌های نبرد و من آخرین نگاه‌های عطف‌بدن را به آن‌ها می‌انبارم
خود احساس کردم، آن‌ها جزو دوستان من بودند، در اهواز غالباً با هم بودیم، خلک با
رقند و دیگر از آن‌ها خبری نشد تا بعد که شنیدیم به شهادت رسیدند.